



## بازتاب فرهنگ عامه و مسایل اجتماعی در تصویرهای شعری «به ره و موکریان» هه ژارموکریانی

(PP 417 - 430)

دکتر فرهاد کاکه‌رش

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مهاباد، ایران 09144420410  
[farhad\\_kakarash@yahoo.com](mailto:farhad_kakarash@yahoo.com)

بلا‌کوردنه‌وه: 2020/10/29

DOI: <https://doi.org/10.31972/jickpl19.24>

### چکیده

عبدالرحمان شرف‌کندی متخلص و معروف به هه ژار موکریانی، اسطوره فرهنگ و زبان و ادب کرد، شخصیتی چندب‌عدی است و آثار متفاوت و ارجمند دارد. اشعار وی جایگاه مهمی در ادب معاصر کرد دارد و از شاخص‌ترین اشعار وی به لحاظ فرم و محتوا، مجموعه شعر «به ره و موکریان» است. نگارنده در مقال کوتاه به روش تحلیلی-توصیفی، در معرفی این مجموعه، گونه‌هایی از فرهنگ عامه و مسایل اجتماعی را در تصویرهای هه ژار نمایان می‌سازد. «به ره و موکریان» فرهنگ‌نامه‌ای است که شاعر در یک سفرنامه‌ی خیالی علاوه بر مقدمه‌ی برائت استهلال و خاتمه یا مال‌ناوایی و خداحافظی، در ۶۰ نقطه و مکان متفاوت منطقه‌ی موکریان با خطرات و خطرات سخن می‌گوید و صحنه‌های نوستالوژیک را بازآفرینی می‌کند. این اشعار مشحون از پیام‌های اجتماعی، سیاسی، ادبی و فرهنگی به ویژه فرهنگ عامه است. هه ژار با آنکه در هر بند و موضوع به مناسبت مکانها و اتفاقات، اهداف خاصی را دنبال می‌کند، از آرایه‌ی صریح و پنهان مطلب به خوبی هم‌برمی‌آید. همین مجموعه شعر او نشان از آن دارد که در این سفرنامه‌ی خیالی ذوق و قریحه‌اش توأم با اندیشه‌های بلند، خلاقیت‌های ویژه آفریده و شاعری چون وی چشم‌ویژه و نگاه تازه‌ای به جهان داشته است. هه ژار، زیبایی‌طبیعت موکریان را در زیباترین لحظه‌های نوستالوژیک به تصویر می‌کشد و عاطفه و اندیشه‌ی مخاطب را برای بازخوانی و بازآموزی آنها تحریک و تشویق می‌کند.

**کلید واژه‌ها:** هه ژار، به ره و موکریان، زبان کردی، فرهنگ عامه

### 1- مقدمه

کردها یکی از اقوام بزرگ آریایی و دارای فرهنگ، زبان و ادبیات غنی هستند. زبان و ادب کردی زبان فرهنگی وسیع و گسترده‌ای در بخش‌هایی از گستره‌ی جغرافیای ایران و کشورهای همسایه غربی ایران بوده و آثار فراوانی از نظم و نثر را در خود جای داده است. «وقتی سخن از ادب پارسی در خارج از مرزهای ایران پیش می‌آید، بلافاصله نام هندوستان و آسیای صغیر در ذهن نقش می‌بندد، غافل از این‌که حوزه دیگری متفاوت با آن دو حوزه وجود دارد و آن حوزه کردستان است که شامل نواحی کردنشین عراق، ایران، ترکیه، سوریه، ارمنستان و برخی دیگر از کشورهای آسیای میانه است.» (پارسا، 13:1389) ملک الشعراء بهار در سبک‌شناسی می‌نویسد: «بر اساس پژوهش‌های علمی و زبان‌شناسی و نیز تحقیقات خاورشناسان، زبان کردی امروز بازمانده و تحول یافته یکی از شاخه‌های خانواده زبان‌های آریایی است و به دلیل انطباق مناطق



کردنشین امروز در خاورمیانه با حوزه جغرافیایی محل سکونت مآدها، این نظریه قوت می‌گیرد که زبان کردی دنباله زبان مادی باستان است. بعضی از دانشمندان را عقیده چنان است که گأه زرتشت به زبان مادی است و نیز برخی برآنند که به زبان کردی، که یکی از شاخه‌های زبان ایرانی و از باقیمانده‌های زبان ماد است.» (بهار، 1349:5:1ج) زبان وادب کردی باهمه ی فشارها و نفوذ زبان های عربی و فارسی، توانسته است حداکثر اصالت خود را حفظ کند و ادیبان و دانشمندان این مرزوبوم باهمه سختی ها و ناکامی ها، در این عرصه بیشترین نقش را داشته اند. یکی از بزرگ ترین حافظان و احیاگران زبان وادب کردی، عبدالرحمان شرفکندی معروف به هه ژار است.

هرچند که در شناخت و نقش هه ژار در فرهنگ ایرانی و کردی، تحقیقات گسترده ای را ضروری می نماید، تاکنون آثاری محدود چاپ شده که بیشتر برگردان کتاب زندگی نامه اش است. از اهداف تحقیق دو مطلب مدنظر نگارنده بوده است:

– معرفی هه ژار به عنوان شخصیتی تأثیرگذار در ادب کردی به ویژه در شعر؛

– تأملی در شناخت مفاهیم و مبانی اندیشه های اجتماعی و فرهنگ عامه هه ژار و بازتاب آن در مجموعه شعر «به ره و موکریان»؛  
 روش‌شناسی تحقیق، در اساس مطالعه‌ی کتابخانه‌ای می‌باشد، اما به لحاظ ماهیت و روش در شمار تحقیقات توصیفی – تحلیلی قرار می‌گیرد.

## 2. هه ژار و زندگی پرفراز و نشیب او

«عبدالرحمان شرفکندی» متخلص به هه ژار موکریانی، متولد 1300ش (درمهاباد) و متوفی 1369ش (در کرج)، یکی از برجسته ترین شخصیت های ادبی، لغوی، فرهنگی و تاریخی کردستان ایران است که نقشی مهم در احیا و حفظ زبان و آثار کردی و سهمی بسزا در ارتقای فرهنگ ایرانی داشته است. او شخصیتی چندبعدی در ترجمه، نثر، نظم، شعر، فرهنگ نویسی و تاریخ نگاری بوده و در مناطق مختلف کردستان در کشورهای ایران، ترکیه، عراق، سوریه و روسیه، زندگی کرده و به زبان های کردی، عربی، فارسی، ترکی و روسی و لهجه های مختلف زبان کردی سورانی، هه ورامی، کرمانجی و... چیرگی کامل داشته و در آثار متنوع خویش، از آن ها بهره گرفته است. هه ژار را نمی توان بدون سیاست معرفی کرد. در نگاهی به زندگی و افکار و آثارش، چهار دوره متفاوت در زندگی هه ژار قابل بررسی و تأمل است: کودکی، نوجوانی و طلبگی هه ژار؛ هه ژار، جوانی و سیاست؛ هه ژار در آوارگی و غربت؛ هه ژار، تحقیق و تبعید در کرج

### 2-1) کودکی، نوجوانی و طلبگی:

در سن پنج سالگی الفبا و قرآن را نزد پدر خویش فرا گرفت، سپس وارد مکتب شد و از حضور تنی چند از مدرسان علوم اسلامی آن زمان کسب فیض نمود. فوت پدر بار مسئولیت خانواده را بر دوش وی نهاد. به سبب علاقه وافر که به ادبیات داشت از همان اوان جوانی به مطالعه ادبیات و دیوان شاعران بزرگ و حفظ شاعران نامدار روی آورد و مشهور خاص و عام شد.



## 2-2) جوانی و سیاست:

در این زمان بود که استاد تخلص «هه‌ژار» را برگزید. در همان جوانی مبارزه و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی خود را شروع کرد. معروف‌ترین شعر ادبیات عامیانه رابه نام لایلی یا «لایه لایه» می‌نویسد و بالاترین آرمان‌شهر آزادیخواهی را در اوج استبداد شاهنشاهی در آن مطرح می‌کند و یکی از اشعاری است که در حافظه تاریخی خاص و عام کرد زبانان جای گرفته و ماندگار شده است. بی‌تردید، مهم‌ترین و بزرگ‌ترین لایه شخصیت او کیاستی است که در سیاست در پیش گرفته است و به آن ایمان و باور قلبی دارد و در راه آن تلاش، فداکاری و ایثار کرده است. اشعارش در وطن خواهی بی‌نظیر و فداکاری بی‌بدیل است. خود می‌گوید: **ده گه ل تۆمه چاوی چاوم/زۆریان له سه ر تۆ لێداوم/وه مزانی خه لات کراوم** (با تو هستم نور چشم / هرچند برای تو بسیار جفا دیدم / پنداشتم که خلعتم دادند.) (هه‌ژار، ۱۳۹۲: سیزده)

## 2-3) سال‌های غربت و آوارگی

پس از شکست قیام قاضی محمد در مهاباد، هه‌ژار آواره کشور عراق شد و سال‌ها در رکاب ملامصطفی بارزانی در دفاع از هویت کردی تلاش نمود. در شرایط سخت و طاقت‌فرسای آوارگی و غربت نیز دست از مطالعه و تحقیق برنداشت و در این زمینه بحری خاص یافت و در همین دوران بود که بسیاری از شاهکارهای ادبی جهان را مطالعه نمود و بر اندوخته‌های خود افزود. در این دوره کتابهای چون دیوان شعر «بو کوردستان» را در سال ۱۹۶۱ برای اولین بار چاپ می‌کند. ترجمه خیام به کوردی را در همین دوره به اتمام می‌رساند. در تمام دوره غربت و آوارگی او تنها به یک نفر به عنوان شخص بستگی تام دارد و آن ملا مصطفی بارزانی است. خود می‌گوید احساس و باورم این بوده و هست که نمونه تمام عیار مردانگی، شجاعت و آزادگی است. (هه‌ژار، ۱۹۹۷: ۹)

## 2-4) دوران تحقیق و تبعید در کرج

در دوره چهارم زندگی، کار فرهنگی یا به اصطلاح انقلاب فرهنگی را آرمان و اتوپیایی خود دانسته و به این نتیجه رسیده است که مبارزه مسلحانه سرانجامی ندارد، باید به بیداری فرهنگی روی آورد. پس از سال‌ها آوارگی سرانجام با شکست بارزانی از رژیم عراق و باز با حمایت و توصیه ملامصطفی بارزانی، در سال ۱۳۵۴ به ایران بازگشت و در شهر کرج ماندگار شد. پربارترین دوره زندگیش از نظر علمی و فرهنگی و نقش او در فرهنگ ایرانی، در این دوره ظهور می‌کند.

سرانجام در دوم اسفندماه سال ۱۳۶۹ در تهران بر اثر بیماری درگذشت. جنازه او با تجلیل بسیار در مقبره الشعراي مهاباد به خاک سپرده شد.

## 3-5) آثاره ژار



- مجموعه شعر «ناله کوك»، مجموعه اشعار «بۆكوردستان»، رباعیات خیام را به نام «چوارینه کانی خیام به کوردی»، «مه م وزین» احمدخانی را از لهجه کرمانجی شمالی به صورت منظوم به زبان کردی سورانی.

**هه ژاردرنثرتوانست** صاحب سبک شود و نثرش یکی از معیارهای سبک و سبک‌شناسی در زبان و ادبیات کردی گردد:

- فرهنگ کردی - کردی و کردی - فارسی به نام «هه نبنانه بورینه»، معروف‌ترین و ماندگارترین اثرنثری اوست و یکی از پرتیراژترین و مفیدترین کتاب‌های او برای خاص و عام است.

- یکی از هنرهای نثر زیبای کردی هزاره، مقدمه‌هایی است که بر هر یک از آثار نظم و نثر و ترجمه‌هایش، نوشته است و هرکدام به تنهایی می‌تواند راهگشای تحقیقات و آموزش اطلاعاتی نو برای کسانی باشد که در آن مسیرها کنکاش می‌کنند. (یادآور مقدمه‌های محمدرضا شفیعی کدکنی بر آثار و تحقیقات و تصحیحاتش است)

- ترجمه شرفنامه‌ی شرف‌الدین خان بدلیسی از فارسی به کردی و «تاریخ اردلان» مستوره اردلان از زبان فارسی و با مطابقت عربی آن به زبان کردی سورانی.

- (چیشتی مجبور). این کتاب خود به تنهایی دایرة‌المعارفی است از ادبیات و فرهنگ و تاریخ ۶۰ ساله این منطقه ایران و کردستان کشورهای همسایه است که نویسنده با آن روبرو بوده است.

- ترجمه مسجع و آهنگین قرآن کریم به زبان کردی خواننده این کتاب اقرار می‌کند که هه ژار را می‌توان سعدی زمان در ادبیات کردی نامید. ترجمه چهار اثر دکتر شریعتی به زبان کردی مانند «پدر، مادر، ما متهمیم» و چند اثر دیگر از دکتر شریعتی.

- ترجمه‌های عربی به فارسی از جمله: «قانون در طب» ابن سینا، «آثار البلاد و اخبار العباد» زکریای رازی و روابط فرهنگی ایران و مصر را از عربی به زبان فارسی و روان بازنویسی کرده است.

- تحقیق، بازنویسی یا تفسیر و تشریح آثار مهم نظم و نثر کردی از جمله: دیوان شعر عارف معروف کرد شیخ احمد جزیری را از زبان کردی کرمانجی به زبان کردی سورانی.

### 3) فرهنگ‌عامه و ادب عامیانه

فرهنگ‌عامه در متن زندگی اقوام و ملت‌ها جریان دارد و به شکل‌هایی گوناگون نمایان می‌شود. آداب و رسوم، آیین‌ها، باورها، خرافات، سحر و جادو، غیب‌گویی، طبابت، قصه‌ها، ترانه‌ها، چیستان‌ها، ضرب‌المثل‌ها، بازی‌ها و سرگرمی‌های رایج در میان مردم یک دوره، عناصر به وجود آورنده فرهنگ‌عامه آن دوره هستند. «هدایت» از هنر و ادبیات توده به‌منزله مصالح اولیه هنر کلاسیک یاد می‌کند و چنین می‌نویسد: «این‌ها صدای درونی هر ملتی است و در



ضمن سرچشمه الهامات بشر و مادر ادبیات و هنرهای زیبا محسوب می‌شود» (هدایت، 1385 : 235). گفته اند که «ادبیات ماندنی‌ترین آثار ذهنی و ذوقی انسان‌هاست که از اندیشه‌ی خلاق نشأت می‌گیرد...» اگر به تعریفی با این کلیت و توسعه از ادبیات دل ببندیم ناگزیر باید در سروزار ادب به درختی پر بار و شکوفایی نیز اعتنا کنیم بانام «ادبیات عامیانه» که ریشه در زندگی خلقها دارد و آب‌نوشش چشمه‌ی اندیشه و ذوق توده‌ی مردم است، بدین‌سان ادبیات عامیانه نه همان ویژگی‌های ادبیات مکتوب و رسمی را دارد بلکه مردمی بودن و اصالت و قدمت را نیز بیش دارد.» (انزابی نژاد، 1354: 370) پژوهشگران فرهنگ عامه، از جمله سی. اس. برن، موضوعات فولکلور را در سه مقوله اصلی و چندین مقوله فرعی قرار داده‌اند. این سه مقوله اصلی عبارت‌اند از:

- باورها و عرف و عادات مربوط به زمین و آسمان، دنیای گیاهان و رویدادهای، دنیای حیوانات، دنیای انسانی، اشیای مخلوق و مصنوع بشر، روح و نفس و دنیای دیگر، موجودات مافوق بشر، غیبگویی و معجزات و کرامات، سحر و ساحری، طب و طبابت.

- آداب و رسوم مربوط به نهادهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی، شعایر و مناسک زندگی انسان، مشاغل و پیشه‌ها، گاهشماری و تقویم و جشن‌ها، بازی‌ها و سرگرمی‌های اوقات فراغت.

- داستان‌ها و ترانه‌ها و ضرب‌المثل‌ها، داستان‌ها (حقیقی و سرگرم‌کننده)، ترانه‌ها و تصنیف‌ها، مثل‌ها، متل‌ها، و چیستان‌ها. (بیهقی، 1365 : 21)

ملاحظه می‌شود که یکی از بخش‌های برجسته‌ی ادبیات عامه، باورهای خرافی عامه است که به تدریج و مرور زمان در حافظه‌ی تاریخی ملت‌ها شکل گرفته و به آن باور و اعتقاد پیدا کرده‌اند. خرافه را به شکل‌های زیر تعریف کرده‌اند: «سخن بیهوده، باطل، افسانه‌ای و اسطوره‌ای است.» (معین، 1375: ذیل خرافه).

#### 4) هه ژار، شعر، جامعه و فرهنگ عامه

شعر هه ژار در فرم و محتوا یعنی وزن و موسیقی، واژگان و اصطلاحات تازگی دارد. شعرش مملو از اصطلاحات سیاسی، اجتماعی، سیاسی، ادبی و فرهنگی و تعهد و اصلاح جامعه در آن موج می‌زند و در عین حال شاعر به سوی نوگرایی موضوعی در حرکت است. هه ژار با شعر شاعران معاصر عرب و فارسی‌آشناست و جریان نوگرایی را که با اندیشه‌های وی سازگارتر است در پیش گرفته است. هرچند که وی در تصویرسازی و مضمون پردازی از قید اندیشه رها نشده است اما توانسته سبک خاصی در کل شعر خلق کند یا از روش خاصی در شعر و فرم آن پیروی کند و از همه ظرفیت‌های فرم و ساختار جهت القای اندیشه‌هایش بهره‌برداری کند. یکی از معروف‌ترین مجموعه‌های شعری که در سال ۱۳۴۴ (۱۹۶۵م) سروده است شعر بسوی موکریان یا «به ره و موکریان» است. این منظومه را در غربت آوارگی و شاید کوهستان‌های سوریه یکی از ماندگارترین مجموعه‌های شعر را می‌سراید و منظومه به سوی موکریان را با هنرنمایی بسیار شگفتی می‌آفریند. (در جای دیگر گفته‌ام نگارنده بر این باور است) این منظومه همراه با منظومه‌های



«ناله ی جودایی هیمن» و «حیدر بابای شهریار»، سه قله ی شعر فولکلور ایران تا به امروز هستند و مثلث منظومه های ماندگار ادبیات عامیانه ایران را تشکیل می دهند و هرگز از حافظه تاریخی ملی در این مناطق فراموش نمی شوند.

#### 1-4) واقعه نگاری

به سوی مکریان سفرنامه خیالی است که شاعر در شب تاریک، آرمان‌هایش را زنده نگه می دارد و در محدوده جغرافیایی وطنش یعنی مکریان بر اسب خیال سوار می شود و به صورت خیالی به زادگاهش برمی گردد و حداقل 30 مکان و محله را مرور می‌کند و تصویرهای نوستالژیک می آفریند که در ادب کردی تا امروز بی‌نظیر است. هرچند بعید نمی نماید که متاثر از قصیده ی بزرگ و معروف خاطرات نالی باشد، اما تردیدی نیست که درآیندگان بیشترین تأثیر را داشته و خواهد داشت (مانند استقبال خالدحسامی در کاروانی خه یال) .

تصویرگری و بلاغت تصویرهای رئالیستی هه ژاردراین منظومه شگفت انگیز است. در او جتاخت و تاززبانی و ادبی، به دقت و ظرافت خاصی مکان ها و منظره ها را مجسم می کند و در اغلب موارد حقیقتی یا واقعه ای را در سطرین الفاظ شاعرانه بازگویی کند و باوصفی دل انگیز خواننده را باخود همراه می کند. حرکت خیالی او از روستاها و منطقه ی معروف لاجان پیرانشهر شروع می شود. از لاجان (115)، ماسوو (116)، قازیاوی، پردی سور، باغی میکائیل (117)، گراو، تاقه دار (118)، شاری مه‌باد (119)، چوارچرا (125)، به سری (232)، عیساکه ند (133)، بورهان (134) خانه قا (238) و... برای نمونه:

**گراو:** چشمه ای کوچک و دگودی نزدیک شهر مه‌باد است. آبش شورا است و گویا سریع به سنگ مبدل می شود. اما هه ژار این چشمه را که اولین بار بنیان گزاران ژ.ک در آنجا گردم آمدند و هه ژار هم عضو فعال آن حزب بود، شیرین و هما و از باخود معرفی می کند:

مه لی سوراوه گراو جیی نزمه      بوره خزمیکی دوچاوی کز مه  
 به رد له خوی کووه ده کا پیم وایه      شورشی گه رمی ده بن سه ردایه

(هه ژار، 118:1392)

(مگوییید گراو آبش شورا است و کم ارج، از نزدیکان چشمهای ضعیف و کم سوی من است. سنگ ها را دور خور جمع می کند گویی که انقلاب آتشین در سومی پروراند.)

مه هاباد:

دله وا شاری مه هاباده وه ره      کابه ، رووگه ته کرنوشی به ره  
 توزی له و خاکه به سه ر خوتاکه      توزی پیروزه له دنیا تاکه



## توزی چاوی دلی نابینایه لیره کل بووکه که ی سینایه (هه ژار، 119:1392)

ای دل! اینجا شهرمه باده دست بیا!، کعبه ست، قبله گاه ست، برایش سجده کن!

اندکی از خاکش بر سر خود بپاش، خاکش مبارکست و در دنیا بی بدیل.

خاکش روشنی بخش دل نابینایان است، سرمه ی کوه سینا از اینجا نشأت گرفته است.

از نظر هه ژار شعری که برای مردم، جامعه، اصلاح امور و سعادت مندی ملت نوتعه داجتماعی نباشد، شعر نمی داند. در یکی از مکان ها به یاد شاعر و همدم سال های کودکی و جوانی اش «هیمن» می افتد. هیمن در سال ۳۲ در یک بحران روحی تولد رضا پهلوی را به شاه پهلوی و همسرش تبریک می گوید. هه ژار دلخور و دلگیر به او، هشدار تاریخی می دهد:

بولبولی کورد وه کو قه ل ده نوۆینی بیزی بی بو کوری شا بخوۆینی

بالی بشکی په روپۆی هه لبوه ری مه ل بکا زه مزه مه بو جاشه که ری

بلبل کورد، به زاغ سیاه می ماند که برای فرزند شاه نغمه سرایی کند. از خدا می خواهم بال هایش شکسته و پرهایش برباد رود، پرنده خوش نامی که برای کره خر زمزمه کند.

سپس دلداریش می دهد که گذشته ها گذشت (به آب دو دیده نباید گریست/ فردوسی) باید جبران کنی و برای نان و نوایی شعر نگویی، بلکه برای فقرا و مستمندان و آزادی انسانها شعر بسرای. در اینجا یک نکته بلند را برای رسالت شعر اشاره می کند که در جهان ادبی و حتی فلسفی کم نظیر است:

بوگه لت بیژه هه تا روژی مه رگ بی منه ت بی تمه ن ونان وبرگ

نیشتمان وه که مه له نوسه ر باله هه رمه لی بالی شکا جپی چاله

(هه ژار، 129:1392)

(تا روزی که زنده ای برای انسانها و برای انسانیت بخوان و هرگز برای رسیدن به ثروت و مکننت شعر نگو زیرا: جامعه چون پرنده خوش نام مل است شاعر و نویسنده بال های آنند. جامعه ای که شاعر و نویسنده نداشته باشد سقوط آن حتمی است.) بی تردید درونمایه ی تمام آثار هژار، عشق به کردستان و زبان و ادب کردی و فرهنگ ایرانی است.

### 2-4) آداب و رسوم

دانش ادبی مجموعه ای از تجربه ها، اطلاعات و اندوخته های فرهنگی است که در مخاطبان بزرگسال تکیه گاهی محسوب می شوند و آینه و انعکاسی از مردم عامه



برای درک ظرفیتها و همراه‌شدن با لحظات اوج و فرود شعر و نثر و مسایل اجتماعی پیرامون آن. به این ترتیب شاعر و نویسنده نیز حرکت خلاق خود را به دنیای زیبایی‌های ناشناخته و بدیع، از همین منازل مألوف و مأنوس آغاز می‌کند و بنای جهان مخیل خود را، با بهرمندی از ابزار و عناصر واقعی و شناخته شده پی‌می‌ریزد. و در یک جمله ادبیات نه تنها هنر است بلکه آینه‌ی اجتماع هم می‌باشد. آداب و رسوم گوناگون مردم مکریان مانند جشن‌ها، آداب، رفتار و شیوه‌های برخورد آن‌ها به زیبایی انعکاس یافته است.

خانقاه : محل و جایگاه صوفیان که در اینجا مقصود روستای خانقاه در بیست کیلومتری مهاباد است و آرامگاه شیخ شمس الدین برهانی هم در آنجاست.

### خانه قا دار وده رت چیمه ن وچیم له هه مووی هه لده قولی بیره وه ریم

(هه ژار، 138:1392)

ای خانقا که تمام دوروبر و اطرافت سبزه و درخت و چمنزار است در هر جای تو خاطراتم فوران می کند.

### خانه قای نه هری به خوین ره نگاهه ربی شه هیدان بووه ، به لگه ی ماوه؟

(هه ژار، 138:1392)

زمین بوس: از آداب احترام به شاهان، تعظیم کردن؛ در حضور پادشاهان زمین را به نشانه‌ی ادب می‌بوسیدند. در فارسی‌نامه (86) آمده است: انوشیروان در باغ رفت و گرد جماعت در نگرید و روی به پدرش قباد آورد و زمین بوس کرد و ادب خدمت به جای آورد و به دور زانو بایستاد. « (شمیسا، 516:1377)

### دله وا شاری مه هاباده وه ره کابه ته، رووگه ته کرنوشی به ره (هه ژار، 119:1392)

ای دل! اینجا شهر مهاباد است بیا!، کعبه ست، قبله گاه ست، برایش سجده کن!

دست دادن و همدیگر را در آغوش گرفتن: پیمان بستن

باده سه ومل مه لی بیچاران بین هه ر هه ژار هیمنه که ی چاران بین (هه ژار، 129:1392)

خاک بر سر پاشیدن: یکی از رسم های کردستان بوده است.

### توزی له و خاکه به سه ر خوتاکه توزی پیروزه له دنیا تاکه

اندکی از خاکش بر سر خود پاش، خاکش مبارکست و در دنیا بی بدیل.

### 3-4) بازی و انواع آن:

هه ژار در یکی از بندهای ده بیتی این منظومه به طور خاص و در ابیات دیگر به مناسبت، از انواع بازی های محلی مکریان در زمان خویش به ویژه بازی های





کودکانه نام می برد که خود انجام داده استوهریک می تواند به عنوان دقیق ترینسندفرهگ عامیانه ی کردی ثبت شود.

گاهی تصویری از کودکی خویش مجسم می کند که پاپویربرهنه ولاغروضعیف ودست زخم برداشته در خاک می غلتد:

**خواس وسه رقووت وتو له خولاگه وزیو بییتی چووی به ل بو به ده ستی قه لشیو**

اما چابک وچالاک وشاداب باشن وماسه وشیشه وکشی های های خورد شده بازی می کندومی رقصد:

**وه ک هه لووک لیره و له وی هه ل ده به زیمسواپ وشیشوقه بوو چهره ی وه ره زیم**

گردناوچوگان همدم وی وفلاخن وسنگ مرمر اسلحه ی شکاری وجنگ اوبوده است:

**مه زرقم یاروهه وال مه رمه ر بوو قوچه قانیم چه کی راووشه ربوو**

بانگاه نستالوژیک افسوس می خورد که نوعی بازی مه لاته ق ته قه وبازی هه نگله شه له (لی لی رفتن)، جشن وسرورش بودودیدگر بازگشتی نیست:

**یان مه لاته قته قه یان هه نگله شه له جیژنه بوو نه و هه له رویی به په له**

(هه ژار، 124:1392)

#### **4-4) باورهای عامیانه**

باورهای عامیانه در کنار حماسه و افسانه یکی از عناصر شکل‌دهنده ی فرهنگ، هویت ملی و قومی جوامع است و حاصل و بازتاب ذهن جمعی افراد است. صادق هدایت که تحقیقات جامعی را درباره ی فرهنگ عامیانه مردم ایران انجام داده است و می‌گوید: «ایران کشوری سرشار از منابع گوناگون ادبی کهن، مذاهب مختلف، هنرها و فرهنگ غنی عامیانه مردمی که با جرأت می‌توانم اعلام کنم در هیچ کشوری این تنوع قومی و فرهنگی در یک جا گرد هم نیامده است. پرداختن به موضوعات فرهنگی و مردمی می‌تواند ما را به یاد ریشه‌های تاریخیمان اندازد و نسل جوان با گذشته‌ی خود وریشه‌های فرهنگی و تاریخی خود و کشورش آشنا می‌شود.» و معتقد است باورها و اعتقادات گذشته‌ی ما با انسان و طبیعت و ستارگان پیوند دارد و نه تنها از پدران خود بلکه از مردمان دیگر نیز به ارث گرفته ایم. (489:1383)

**به گورستان رفتن و زیارت رامگاه پدرومادر:** از مراسم مسلمانان است که دست بر سنگ قبر هم می‌گذارند و فاتحه می‌خوانند؛ فاتحه: رسم است که انگشت یا دست را بر سنگ یا خاک قبر می‌گذارند و سوره‌ی حمد بر تربت مرده می‌خوانند. (برات زنجانی، 273:1380) اما هه ژهرساختارشکنی می‌کند که عذرتقصیرش را توجیه می‌کند که عصای پیری مادرنشدوبه وصیت پدر برای ملاشدن عمل نکردوبرای رسیدن به آسایش مظلومان وملت تحقیروتضعیف شده اش جان می‌دهد زیرا اعتقاد دارد هرکس اشک فقرا را پاک کندوبه دادمظلومان برسدبهبشت رابرای قیامتش به ارمغان آورده است:



برته ژیرخاکه وه ئاواتی دلت      هه ربه هارت بوو وه رین په لکی گولت  
 هه رچی فرمیسکی هه ژاران بسری بو دواروژی به هشتی ئه کری (هه  
 ژار، 124:1392)

### تعظیم ومجذوب پیرعرفان:

یکی ازعارفان بزرگ وصاحب مکتب ونفوذوجاذبه ی عرفانی درمنطقه موکریان،  
 شیخ شمس الدین برهانی که آرامگاهش، اکنون هم زیارتگاه خاص وعام است. هه  
 ژارمدتی درآن خانقاه همدرس فرزندان شیخ ودویتان دیگربوده است:

گیان له ریی چوونی به له ز ده مداهان که وته به رکیشه ری پیری بورهان  
 دله دامرکی! خه یال لیم لاده      گیانه بودیتنی پیرئاماده (هه ژار، 124:1392)  
 درمسیررفتن به سوی خانقاه، جان مجذوب پیربرهان شد؛ ای دل! آرام گیر! ای  
 خیال ازمن دورشو! جان وروح برای وصال ودیدن پیرآمادگی دارد.

بادیدن گنبدسفیدبارگاه شیخ برهان، به سجده می افتدکه این آرامگاه  
 سفیدوپاک وصاف چون دا پاکان است. وبارگاشهنشاهیست که صدف وگوهریکتادرآن  
 آرام گرفته است:

گومبه زی سپییه وه کوو رووی چاکان      پاکه وه ک گیان ودلی دلپاکان  
 سه ده فه و گه وهه ری یه کتای تیدا      بارگاهیکه شه هنشای تیدا (هه  
 ژار، 124:1392)

### 4-5) امور طبی سنتی :

سرمه برچشم نهادن  
 توزی چاوی دلی نابینایه      لیره کل بووکلله که ی سینایه (هه  
 ژار، 119:1392)

خاکش روشنی بخش دل نابینایان است، سرمه ی کوه سینا ازاینجا نشأت گرفته  
 است.

### 4-5) امثال و کنایات:

اگر بخواهیم امثال و کنایات را در شعره ژار به‌طور کامل بررسی و  
 استخراج کنیم که اغلب سرچشمه‌های فرهنگ و ادبیات عامه دارند، خود فرهنگی  
 بزرگ و به تنهایی فراتر از یک پایان‌نامه خواهد بود و درمثل و کنایه ادب  
 کردی کم نظیراست. همایی در تعریف ارسال المثل می‌نویسد: آن است که عبارت  
 نظم یا نثر را به جمله‌ایی که مثل یا تشبیه مثل و متضمن مطلب حکیمانه  
 است بیارایند و این صنعت همه جا موجب آرایش و تقویت بنیهی سخن می‌شود و



گاه باشد که آوردن یک «مثل» در نظم یا نثر و خطابه و سخنرانی، اثرش در پروراندن مقصود و جلب توجه شنونده بیش از چندین بیت منظوم و چند صفحه مقاله و رساله باشد. (299:1377) مثل و کنایه، ترکیب یا جمله‌ای است زبانزد گروهی از مردم در دوره‌ای از زمان. و دلالت بر مفهومی عام دارد و گوینده یا سازنده اصلی و نخستین آن ناشناخته است. به یک نمونه ی زیبا بسنده می‌کنیم:

کوسه بوریش ده گه را وبوجاشی داشی هات کلک وسمیلی تاشی(هه ژار، 132:1392)

مردبی ریش وکویه به دنبال ریش می گشت وجاسوسی می کرد به نوایی دست یابد. یک داش ولاابالی یررسیدوسبیلش را هم تراشید.

#### 4-6) افسانه، اسطوره و داستان:

معمولاً افسانه، اسطوره و داستان در مفهوم عام هم مضمون هستند. اما منظور از قصه‌ها و داستان‌های عامیانه، آن دسته از داستان‌هایی است که مخاطب آن‌ها در زمان‌های قدیم، مردم عامی بوده‌اند که غالباً سواد خواندن و نوشتن نداشته‌اند و پای قصه‌گویی نقلان و قصه‌گویان می‌نشسته‌اند و تحقق آرزوها و آمال خود را در این قصه‌ها می‌جسته‌اند. اصلی‌ترین مشخصه‌ی قصه‌های عامیانه، شفاهی بودن و عدم وابستگی و تعلق آن‌ها به فردی خاص است.

«اسطوره، به مجموعه داستان‌های گفته می‌شود که ریشه در اعتقادات قدیمی یک ملت دارند و برای آن ملت صورتی مقدس پیدا کرده است. اسطوره‌ها در اصل اتفاق افتاده‌اند؛ اما بر اثر علاقه و اشتیاقی که نسل‌های بعدی به آن داشته، بیش از حد اسطوره‌ها را شاخ و برگ بخشیده‌اند به گونه‌ای که گاهی حقیقت در میان اغراق‌ها و غلوها گم شده است. اسطوره معیار اعتبار فرهنگ یک ملت است، لذا به سادگی قابل چشم پوشی نیست. اصولاً اسطوره‌ها نه به فرهنگ یک ملت بلکه به فرهنگ همه عالم ارتباط می‌یابند. زیرا غالباً قریب به اتفاق اسطوره‌ها در ساینز فرهنگ‌ها نیز کم یا زیاد وجود دارد و می‌توان شباهت‌های دقیق در بین آن‌ها بدست آورد. این وجه اشتراک اسطوره‌هاست که همه آن‌ها در اصل مربوط به یک جا و یک خانواده مشترک بوده‌اند. اما در افسانه‌ها این ویژگی‌ها وجود ندارد و افسانه به سادگی از فرهنگ یک ملت قابل حذف است. افسانه صرفاً زاده‌ی تفکراتی است که بیشتر جنبه‌ی سرگرمی دارند و واقع‌گرایی نیستند؛ افسانه رمانتیک است، اما اسطوره رئالیسم . . . .» (کاکه رش: 1393)

اسطوره‌های هه ژاردر این منظومه، اسطوره واقعی در علم، ادب، عرفان و اخلاق و سیاست و ملی‌گرایی محلی و منطقه‌ای و ملموس برای مخاطبان هستند. از شیخ برهان، نه‌ری و سیدرشید، نورانی، مولانا، شیخ محمد، هیمن، ثاوات، قاضی محمد، سردار عزیزخان مکرری و حتی دختری که در جوانی دل به او داده است.



مکان هاو زیارتگاه هایی که غیر از خانقاه ها بوده و گاه محل تفریح و ملاقات دادگان و عاشقان بوده است در نظر می‌آورد که هر کدام نمادهایی از تقدس و اسطوره‌گی در ادب عامیانه اند که گاهی کوه معروف یادشدرخت کهنسالی بوده است:

کوه سلطان: گویا آرامگاه ی سعدبن وقاص صحابه ی مشهورست که در زبان محلی به سه یدوقاس معروف است.

سه یدوقاس هه ربه گه ری ره ش به له کی وه کو جاران به کلوکو که له کی! (هه ژار، 119:1392)

تاقه دار (118) / گراو (118) / پردی سور (117) / داشامه جید (130) / و... .

## 5- نتیجه گیری

اشعار هه ژار مجموعه‌ای از فرهنگ و آداب و رسوم زمانه خویش به زبان شعر است و اسطوره ها و امثال و حکم شفاهی و عامیانه‌ی مردم، به فراوانی در آن دیده می‌شود. از یک طرف به آداب و رسوم و مثل‌های عامیانه پرداخته که مورد پسند اکثریت جامعه‌ی آن روز بوده و از طرف دیگر به زبان فاخر و استوارکردی سروده و با آرایه‌های بیانی و بدیعی زیبا، آراسته است تا به هدف عالی و غایی خویش دست یابد که همانا خدمت به مردم و تحریک و تشویق به مبارزه و اخلاق و اصلاح جامعه است و این تعهد اجتماعی را بالاترین رسالت شاعری داند.

هرکس اندک مطالعاتی در ادب کردی داشته باشد و با آثار هه ژار آشنایی حداقلی داشته باشد، بی‌اختیار اقرار خواهد کرد که سبک و زبان هه ژار ، معیار زبان، سبک و سبک‌شناسی در زبان و ادبیات کردی است و در یک جمله با جرأت می‌توان گفت که هه ژار در شخصیت ادبی و فرهنگی بادهخدا یا ملک الشعراء بهار فارسی در زبان و ادبیات کردی همسنگ دانست و به اصطلاح علمای درایت و رجال ، از مجددان «رأس مآه» (برگزیدگان قرن) بشمار آورد. تأمل در مجموعه آثارش به ویژه آثار کردی، نشان می‌دهد که هه ژار در حوزه‌های مختلف چون شعر، شاعری است صاحب سبک و در نویسندگی ، نویسنده ای توانا و اندیشمندی صاحب‌نظر است ؛ آثار وی مشحون از پیام‌های اجتماعی ، سیاسی ، ادبی و فرهنگی است و می‌تواند در برهه ای از تاریخ، گوشه‌هایی از تاریخ کردستان و سرزمین ایرانی را آشکار سازد. برجسته‌ترین پیام هایش وطن‌خواهی و آزادی و ندای بیداری است.

هه ژار به طور اخص از فرهنگ عامه ی مکریان به عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم در منظومه به ره و موکریان استفاده کرده است. از این رو بخشی از



شناخت و درك درست این سروده ها در گرو شناخت ادب عامیانه و جلوه های آن در سروده های این شاعر است.

یافته های تحقیق نشان می دهد که بیشترین بخش فرهنگ عامه در این مجموعه را امثال و کنایات و کمترین بخش آن را داستان ها و افسانه های عاشقانه تشکیل می دهد.

به ره و موکریان ، با وصف آنکه منظومه مفصل 500 بیتهی است و شاعرتلاش کرده است جنبه حماسی آن را پررنگ کند؛ گاه توصیف چنان گسترده و با آرایه های ادبی درآمیخته است که خواننده اصل موضوع را فراموش می کند، نه تنها از اشارات فرهنگی عصر خویش غافل نبوده بلکه غنای فرهنگی و ادب کردی و گاه ایرانی را هم به تصویر می کشد.

#### منابع :

قرآن مجید.

انزابی نژاد، رضا، (1354)، بحثی در ادبیات عامیانه، تحلیلی گذرا در طوطی نامه ها، فصلنامه ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، شماره 115.  
 بیهقی، حسینعلی، (1365، چ 2)، پژوهش و بررسی فرهنگ عامه ایران، مشهد: آستان قدس رضوی.

پارسا، سیداحمد (1389). تاثیرپذیری شاعران کرد ایران و عراق از حافظ شیرازی، تهران: فرهنگستان هنر  
 پیربال، فرهاد (1386) (1386)، مقاله «چرانثر به کردی نوشته نشده است؟» ترجمه محسن امینی، فصل نامه شعرگوهان (ویژه نامه شعرکردی)، شماره 15، صص 189-192  
 شرفکندی، عبدالرحمان «هه ژار» (1368)، هه نبانه بورینه (فرهنگ کردی - فارسی)، انتشارات شـروس - تهران (1392)، بوکردستا  
 ن، سنندج: عزتی

..... (1997). چیشتی

مجیور، استکهلم

شمیسا، سیروس، (1377، چ 1)، فرهنگ اشارات، تهران: میترا، چ 1 و 2  
 \_\_\_\_\_، (1371، چ 2)، فرهنگ تلمیحات، تهران: میترا.  
 صفا، ذبیح الله (1373). تاریخ ادبیات ایران. ج 1، تهران: فردوسی  
 کاکه رش، فرهاد (1378). «تأثیر قرآن بر شعر شاعران بزرگ کلاسیک ادب کرد با مطابقت ادب فارسی» (پایان نامه کارشناسی ارشد): سنندج  
 معین، محمد، (1375، چ 4)، فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر.

میرصادقی، جمال، (1360)، قصه، داستان کوتاه، رمان، تهران: آگاه  
 هدایت، صادق، (1385، چ 6)، فرهنگ عامیانه مردم ایران، به کوشش جهانگیرهدایت، تهران: چشمه.

همایی، جلال الدین، (1377)، فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران: هما.  
 یا حقی، محمد جعفر، (1388)، فرهنگ اساطیر و داستان واره ها، تهران: فرهنگ معاصر



www.mahabadsafar.blogspot.com

f.b/loqman.m

